

متن پرسش

با سلام و آرزوی توفیق روز افزون برای شما استاد بزرگوار. استاد من دانشجوی ترم اول ارشد هستم که در دوران کارشناسی بخصوص دو سال میانی خودم را در فاکتورهای دینی و درسی بسیار تقویت کردم به طوری که واقعا شادی درون را داشتم که کتابهای شما نقشی اساسی داشت. اولین و مهمترین مشکلم این است که انگار همه چیز یادم رفته شاید اگر کسی از بیرون به من نگاه کند مرا ادم خوبی بداند ولی خودم رضایت از خودم ندارم و احساس می کنم که واقعا کیفیت کارهای دینی ام پایین آمده است همین طور حس میکنم عزت نفسم کم شده و حافظه ام یاری نمی کند خیلی تنش در درونم هست با خودم می گویم نکند به حال خودم رها شده ام یا گناهی کرده ام که نمی دانم که اینطور در دین درجا می زنم و هر چه تلاش میکنم راهی نمی یابم انگار احساس مس کنم من ان آدم قبلی نیستم و خیلی فکرها این شکلی. من هیچ اهمیتی به بحث ازدواج و درگیری فکری ان به خودم راه نمی دادم و بسیار محکم در زمینه ی درس و دین کار میکردم. از جانب دیگر من شرایط فکر کردن به این قضیه را نداشته و ندارم چون من یک خواهر بزرگتر از خودم دارم که بسیار دوستش دارم و او بسیار حساس است و اصلا دوست ندارم تنش به او وارد شود و زودتر از او ازدواج کنم. از طرفی خواستگارهایی که داشتم و آنها را رد کردم بسیار ذهنم را مشغول می کند در حالیکه که آنها را رد کرده ام ولی باز این حس که شاید هنوز در فکر من باشند باعث می شود که به آنها فکر کنم به خصوص یکی از آنها که در دانشگاه هست و من درجا با توجه به شرایط خانواده ام از طریق دوستانم جواب رد را دادم و واقعا از نظر شرایط خانوادگی و خواهرم شرایط را ندارم و اصلا وجدانم اجازه ی ازدواج را به من نمی دهد حتی اگر خودمم بخواهم از نظر خانواده امکان ندارد تازه من ۲۳ سال بیشتر ندارم شاید به دلیل همان ضعف ایمانم شده که اینقدر به این چیزها فکر میکنم. من باید از نظر درسی پیشرفتم را داشته باشم چون پدرم زحمت میکشه و برام پول میفرسته و واقعا باید جواب زحمتاشو با برآورده کردن تقاضاهاش و همین طور رضایت وجدانی خودم برای کارآبودن در رشته ام را برآورده کنم، استاد خیلی تنش دارم از یه طرف درسام سنگین شده از طرفی هم این فکر از طرفی هم پیشرفت دینی برام مهمه که چرا کتاب دینی میخونم درکم کم شده حتی کتاب های شما که قبلا خیلی بهتر میفهمیدم، استاد باتشکر از زحمات فراوان شما از شما می خواهم هم در زمینه ی دینی و هم در زمینه پیشرفت درسی ام وهم افکارم مرا راهنمایی بفرمایید. استاد لطف بفرمایید مرا به جایی ارجاع ندهید و خودتان جواب را برایم روشن بفرمایید با تشکر فراوان از شما استاد عالی

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: هر انسانی در مسیر کمالی خود مراحل را دارد و باید سعی کند در هر مرحله‌ای خود را بازخوانی مجدد کند تا در مرحله‌ی جدید با تولدی جدید روبه‌رو شود وقتی در این مرحله که فرموده‌اید وارد شدید بر اساس درک واقعیاتی که در اطرافتان می‌گذرد ذهن خود را مدیریت کنید و بر این اساس ۱- فعلاً نگذارید ذهن شما مشغول خواستگاران‌تان شود (که در این مورد کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» کمک می‌کند) ۲- برای مطالعه‌ی دروس دانشگاهی برنامه‌ریزی کنید و سعی کنید با یک برنامه‌ریزی معقول خود را وارد برنامه کنید ۳- ساعات محدودی را برای مطالعه‌ی کتب غیر درسی بگذارید. تا در این مرحله نیز تولدی جدید و تجربه‌ای دیگر به‌دست آورید. موفق باشید